

یادداشت

رژیم صهیونیستی چگونه در منازعه طولانی با ایران شکست خورد

راهبرد تحمیل رنج

[علیرضا حجتی]

«ما باختیم؛ حقیقت را باید گفت! یک باخت جامع؛ این جمله تیتز گزارش وبسایت روزنامه هآرتس اسرائیل ساعاتی قبل از حمله موشکی ایران به سرزمین‌های اشغالی بود.

احتمالا این جامع‌ترین توصیفی است که آخرین وضعیت منازعه اسرائیل و ایران را توصیف کرده است؛ منازعه‌ای که دیگر از موقعیت «جنگ در سایه» خارج شده و آشکارتر پیش می‌رود. هدف قرار دادن اسرائیل در سرزمین اشغال شده فلسطین که به عنوان یک «رژیم یافی» در سیاست بین‌الملل شناخته می‌شود، از آن دست اتفاقات تاریخی است که به آینده منطقه شکل و جهت می‌دهد. این نخستین رودرویی آشکار ایران و اسرائیل بوده و از این جهت ارزش تاریخی بالایی دارد. حملات موثر به عمق خاک سرزمین‌های اشغالی از سال ۱۹۶۷ آرزوی محقق نشده کشورهای اسلامی و دولت‌های عربی بوده که ایران آن را به واقعیت تبدیل کرد.

برای نخستین بار پرندهای نظامی ایران بر فراز مسجدالاقصی، دشمنان این مکان مقدس را مورد حمله قرار دادند. حمله موشکی ایران علیه اسرائیل مهر تاییدی بر تثبیت مختصات رفتاری ایران بر اساس یک قدرت منطقه‌ای که در خاورمیانه به سرآمدی رسیده و فراتر از آن عزیمت جمهوری اسلامی ایران به یک قدرت بزرگ است که قدرت تاثیرگذاری بر جغرافیایی خارج از منطقه خود را دارد. در واقع کنش بامداد یکشنبه تهران بر اساس انتظاراتی است که از قدرت اول منطقه بر مبنای رهیافت‌های روابط بین‌الملل توقع انجام آن می‌رود؛ همان موضوعی که کارشناسان مطرح بین‌المللی در رسانه‌های مطرح جهان در ۶ ماه گذشته روی آن دست گذاشته بودند؛ همان‌طور که روزنامه انگلیسی گاردین دی ۱۴۰۲ نوشت:

قدرت مسلط در خاورمیانه دیگر آمریکا، مصر به عنوان متحد غرب، عربستان سعودی یا حتی اسرائیل نیست، بلکه متحد اصلی یمنی‌ها، یعنی ایران است. همین هفته گذشته بود که سوزان ملونی در «فان افرز» طی مقاله‌ای مفصل نوشت این تهران است که به ترتیبات منطقه‌ای شکل می‌دهد. تحلیلگر ارشد بروکینگز که به چند دولت ایالات متحده درباره ایران مشاوره داده است، نوشت: چشم‌انداز استراتژیک پس از ۷ اکتبر در خاورمیانه، چشم‌اندازی است که تا حد زیادی توسط ایران ایجاد شده و با نقاط قوت آن عمل می‌کند. حقیقت این است که جمهوری اسلامی اکنون در موقعیتی بهتر از هر زمان دیگری برای تسلط بر خاورمیانه است، از جمله با دستیابی به توانایی ایجاد اختلال در کشتیرانی در چندین نقطه این وضعیت و گسترش چشمگیر نفوذ ایران می‌تواند در صورت وقوع بحران تأثیر فاجعه‌باری بر اسرائیل، منطقه و اقتصاد جهانی داشته باشد.

این راهبرد رنج تدریجی تحمیلی ایران به اسرائیل است که تل‌آویو را در موقعیت خفگی ژئوپلیتیک قرار داده است. معادله بازدارندگی در تقابل تهران و تل‌آویو طی ماه‌های گذشته در فضای سیاسی کشورمان دچار یک خطای مفهومی در تحلیل شده بود. از آغازین ساعات ۷ اکتبر ۲۰۲۳ و عملیات توفان الاقصی، این دیوار بازدارندگی رژیم صهیونیستی بود که در مقابل ایران فرو ریخت. اسرائیل در این مرحله وارد مرحله بعدی یعنی «وادارندگی» در برابر ایران شد. در معادله امنیت بین‌الملل، این مرحله وضعیتی اجرا می‌شود که بازدارندگی به طور کامل شکست می‌خورد. بنابراین عملیات‌های تروریستی رژیم صهیونیستی علیه مستشاران نظامی ایران در سوریه و در نهایت حمله مستقیم به ساختمان کنسولگری ایران در دمشق، نه اقداماتی در تضعیف بازدارندگی ایران، که برای باز کردن دریچه‌ای برای فرار اسرائیل از تنگنای این رژیم طراحی شده بود. کابینه جنگ رژیم صهیونیستی تلاش کرد در تداوم استراتژی قدیمی این رژیم؛ «دکترین بن گوریون» با صدور بحران به خارج از فلسطین اشغالی و «توزیع رنج» میان ایران و ایالات متحده آمریکا، منازعه را گسترش داده و راه فراری برای خود ایجاد کند. در همه این مراحل تهران عملیات‌های ترور اسرائیل را اقداماتی ارزیابی می‌کرد که نمی‌تواند این رژیم را از باتلاق غزه نجات داده و طناب را از دور گردن صهیونیست‌ها باز کند.

تلاش اتاق فکر جنگ رژیم صهیونیستی با اتخاذ رویکرد «کنترل تنش» و «مدیریت سطح بحران» توسط تهران و واشنگتن تا حد زیادی خنثی شد. اما تل‌آویو با برهم زدن «قواعد درگیری»، به طور مستقیم به امکان دیپلماتیک ایران حمله کرد و به این ترتیب رژیم صهیونیستی از خطوط قرمز عبور کرد. برای ایران که «باز یگر عاقل» منطقه و سیاست بین‌الملل است، عزیمت اسرائیل به این نقطه دیگر قابل تحمل نبود و پاسخ قاطع و بسر مبنای راهبرد موازنه‌ساز ایران را که محرک رفتار دولت - ملت ایران در یک جهان آنارشیک است، به دنبال داشت.

ادامه در صفحه ۷

۲۶ فروردین ۱۴۰۳ تاریخی شد

ایران در پاسخ به حمله صهیونیست‌ها به ساختمان کنسولی سفارت کشورمان در دمشق با صدها پهپاد و موشک، پایگاه‌های نظامی رژیم صهیونیستی در سرزمین‌های اشغالی را هدف قرار داد

زمان مناسب، مکان مناسب

معادله جدید جهانی

ناکامی پدافند چندلایه اسرائیل، آمریکا، انگلیس، فرانسه و اردن در مهار پهپادها و موشک‌های ایرانی

صفحه ۵



یادداشت روز

«وعده صادق» یک نقطه عطف در تاریخ دفاعی ایران شد

نصر استراتژیک

[محمدصادق فرامرزی]

سرتاجم قفل آسمان ارض اشغال شده مقابل موشک‌های ایران باز شد. این شاید مختصرترین تعریفی باشد که بعدها در نقل سریع رویدادهای عصر ما به وقت نخستین ساعات بامداد ۲۶ فروردین نقل شود؛ نقطه عطفی که از گذشته آن آگاهیم و درباره آینده مشغول گمانه‌زنی هستیم. عملیات «وعده صادق» از جهات مختلف یک عملیات مهم برای تاریخ دفاعی ایران به حساب می‌آید. چرایی این اهمیت اما فراتر از کم و کیف شیوه اجرایش، به معادله امنیت در خاورمیانه و موقعیتی که جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی در آن قرار دارند، مربوط می‌شود. از همین ره رو نگاهی به این عملیات بدون ادراک موقعیت اولیه آن می‌تواند شناخت ناقص یا غلطی برای ما داشته باشد.

۱- عملیات «وعده صادق» پیش از هر چیز پاسخی به عملیات تروریستی حمله به کنسولگری ایران در دمشق و شهادت تعدادی از فرماندهان ایرانی به حساب می‌آید. عملیات دمشق اما از جهتی ایران را وارد یک موقعیت دوگانه و متناقض کرد. از سویی ایران با رژیمی مواجه بود که پس از ۶ ماه جنایت و نسل‌کشی و عدم دستاورد نظامی در غزه بشدت برای تغییر مناسبات درگیری به دنبال نقشه‌های جدید می‌گشت. از همین رو این اقدام که می‌توانست نقطه آغازین یک جنگ به حساب بیاید، قمار خطرناک تل‌آویو برای ورود مستقیم ایران به جنگ به حساب می‌آمد، آنچنان که اشغالگران در ماه‌های گذشته چندبار دیگر با عملیات‌های ترور (البته در سطح پایین‌تر) تلاش کرده بودند ایران را مجبور به جنگ کنند. رژیم صهیونیستی که فضای جنگی را در چند جبهه مورد حمایت ایران تجربه می‌کرد، درگیر نبودن ایران با جنگ و بحران‌های ناشی از آن را وضعیتی اصطلاحاً آور برای خود در برابر مهم‌ترین دشمنش می‌دید. طبیعی بود در این موقعیت ایران ورود مستقیم به جنگ را برای خود مطلوب نداند. از سوی دیگر اما تثبیت شدن این پیشفرض که ایران برای عدم ورود به جنگ به دنبال واکنش فعال نسبت به ترورهای صهیونیست‌ها نیست هم ایران را با یک خطر بلندمدت مواجه می‌کرد؛ خطری که در آن نیروی متخاصم به پشتوانه این پیشفرض گام به گام می‌توانست بیشتر به ایران ضربه بزند. معمای امنیتی ماجرا در این نقطه خود را عیان می‌کرد. به زبان ساده‌تر انفعال برای عدم درگیری در جنگ خود به خود شرایط حتمی شدن ورود به جنگ را ایجاد می‌کرد. در این نقطه رسیدن به تعادلی که هم وضع اول (ورود به جنگ) را مهار کند و هم وضع دوم (تثبیت انفعال در برابر تهاجم) را تضعیف کند، نقطه مطلوب در تضمین امنیت و بازدارندگی و باز گذاشتن دست کشور در بازیگری فعال است. عملیات «وعده صادق» و نتایج آن را قبل از هر چیز باید در این معادله دوگانه فهم کرد. از این جهت ایران در مواجهه با عمل بی‌سابقه (حمله به کنسولگری‌اش) عکس‌العمل بی‌سابقه‌ای نشان داد و از داخل خاک خود به شکل رسمی اراضی اشغالی را هدف حمله قرار داد. از سوی دیگر با موفقیت موشک‌هایش در عبور از گنبد آهنین رژیم صهیونیستی (در حالت آمادباش کامل) این پیام را مخابره کرد: در صورت گذار از صحنه نزاع محدود به جنگ مستقیم، توانایی هدف قرار دادن هر نقطه‌ای را دارد. «وعده صادق» عملیاتی برای آغاز جنگ نبود اما برای واکنش و مخابره پیام، عملیاتی حساب شده و مقتدرانه به حساب می‌آید. هر چند هنوز نمی‌توان درباره نحوه مواجهه رژیم صهیونیستی با این وضعیت سخنی قاطع گفت اما تا این لحظه آنچه از مواضع سران این رژیم مخابره نشده، نشان از عقب‌نشینی نسبت به مواضع پیشین همچون «حمله به خاک ایران در جواب حمله از خاک ایران» دارد. با این اوصاف نسبت‌سنجی عملیات واکنشی ایران برای حل این معمای امنیتی با یک عملیات جنگی باعث ادراک غلط درباره نتایج آن می‌شود.

۲- ۱۲ ساعت قبل از عملیات موشکی - پهپادی «وعده صادق» که در روزهای گذشته خیلی‌ها خود را برای آن آماده کرده بودند، ایران با توقیف یک کشتی باربری اسرائیلی و همچنین یک حمله سایبری به اداره توزیع برق رژیم صهیونیستی، مختصات مانوری از یک نبرد تمام‌عیار با این رژیم را به نمایش گذاشت. قرار گرفتن رژیم صهیونیستی در تنگنای جغرافیایی ناشی از حملات مقاومت اسلامی یمن در دریای سرخ و آمادگی و توانایی ایران برای بستن خلیج فارس روی کشتی‌های باری این رژیم نشان‌دهنده شرایطی است که در آن حیات عمومی ساکنان اراضی اشغالی با تهدید جدی مواجه می‌شود. ۶ ماه بعد از غافلگیری صهیونیست‌ها در توفان الاقصی که باعث شده صدها هزار نفر از ساکنان اراضی اشغالی مجبور به ترک خانه‌های غصبی‌شان شوند، تکرار شب‌نشینی در پناهگاه‌ها فضای داخلی اسرائیل را نیز بیش از پیش ملتهب کرده است.

ادامه در صفحه ۶